



راهکارهایی برای آشنایی کودکان با دنیای کتاب

مطالعه، عادت‌ی که از خانه آغاز می‌شود

گزارش

مرجان قندی

گروه گزارش

تابستان در کنار همه فرصت‌های فراغت و به‌هم بودن، می‌تواند بهترین زمان برای شکل‌گیری یکی از ماندگارترین عادت‌های زندگی در فرزندان باشد؛ عادت به مطالعه. در دورانی که تلفن‌های همراه و سرگرمی‌های دیجیتال، اعضای خانواده را با وجود همنشینی، از هم دور کرده‌اند، کتاب می‌تواند بهانه‌ای برای بازگشت گفت‌وگو، صمیمیت و تجربه‌های مشترک باشد. کارشناس حوزه تربیت کودک و نوجوان معتقدند که اگر والدین مطالعه را از یک تکلیف فردی به بخشی از زندگی روزانه و خانوادگی تبدیل کنند، کتابخوانی هم در ذهن کودک ماندگار و هم به پلی برای تقویت پیوندهای عاطفی در خانه تبدیل می‌شود.

حمیده بیاور روان‌شناس تربیتی، می‌گوید: «رسانه‌های دیجیتال، بویژه تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی، پدیده‌ای به نام آنزوی همراه را در خانواده‌ها ایجاد کرده‌اند؛ وضعیتی که در آن اعضای خانواده از نظر فیزیکی کنار هم هستند، اما مهر کدام در دنیای دیجیتال خودشان غرق شده‌اند.» او با بیان اینکه در چنین شرایطی اگر کتابخوانی هم فقط یک فعالیت فردی باقی بماند، نمی‌تواند نقش مؤثری در تقویت روابط خانوادگی داشته باشد، توضیح می‌دهد: «راهکار اصلی، تبدیل کتابخوانی از یک عادت شخصی به یک تجربه جمعی و تعاملی است. خانواده‌ها می‌توانند برای این کار یک زمان ثابت برای مطالعه مشترک تعیین کنند؛ مثلاً یک ساعت مشخص در روز یا یک روز ثابت در هفته که همه دور هم جمع شوند و در کنار هم کتاب بخوانند. در این زمان، استفاده از تلفن همراه باید ممنوع باشد تا همین حضور مشترک به تقویت احساس تعلی و صمیمیت کمک کند.»

بیاور همچنین بلندخوانی را یکی از راه‌های مؤثر می‌داند و می‌گوید: «وقتی والدین یا فرزندان بخش‌هایی از کتاب را با صدای بلند برای یکدیگر می‌خوانند، نوعی روایت مشترک و تجربه عاطفی لذت‌بخش شکل می‌گیرد. همین فرآیند باعث می‌شود اعضای خانواده تجربه‌های شخصی خود را به یاد بیاورند و با یکدیگر در میان بگذارند و در نتیجه، هم علاقه به مطالعه بیشتر و هم پیوند عاطفی میان آنها تقویت شود.»

او گفت‌وگو پس از مطالعه را از مهم‌ترین بخش‌های کتابخوانی خانوادگی معرفی می‌کند و می‌گوید: «صحبت‌کردن درباره محتوای کتاب، می‌تواند تعامل و همدلی را در خانواده افزایش دهد. پرسش‌هایی مانند «اینکه، اگر جای شخصیت اصلی داستان بودی چه می‌کردی؟ یا کدام بخش کتاب برایت جذاب‌تر بود؟ زمینه را برای شنیدن دیدگاه‌های مختلف و نزدیک‌تر شدن اعضای خانواده به یکدیگر فراهم می‌کند.» این روان‌شناس تربیتی معتقد است حتی انتخاب و خرید کتاب هم بهتر است با مشارکت همه اعضای خانواده انجام شود. او دراین باره می‌گوید: «وقتی کتابی با توافق جمعی و در فضایی مثل کتاب‌فروشی انتخاب شود، احساس مالکیت و انگیزه برای مطالعه در همه بیشتری شود؛ نه اینکه فقط یکی از والدین کتابی را انتخاب و به بقیه تحمیل کند.»

بیاور تأکید می‌کند که لازم نیست رسانه‌های دیجیتال به‌طور کامل حذف شوند، او دراین باره می‌گوید:

«می‌توان از رسانه‌های دیجیتال برای تقویت تجربه مطالعه استفاده کرد.

نمونه‌هایی مانند گوش دادن جمعی به کتاب صوتی در سفر، شرکت

در باشگاه‌های کتابخوانی آنلاین

یا استفاده از اپلیکشن‌های ثبت

پیشرفت مطالعه از جمله راهکارهای

قدم می‌گذارد. او می‌گوید: «وقتی ما یک داستان خوب می‌خوانیم، مرز بین خودمان و شخصیت‌ها از بین می‌رود؛ با آنها می‌ترسیم، می‌خندیم، امید پیدا می‌کنیم و حتی گاهی گریه می‌کنیم، اگرچه این تجربه فاقد



پرده‌ری‌های بصری بازی‌هاست، اما اثر عاطفی بسیار عمیقی برانسان می‌گذارد.»

همسفر شدن با شخصیت‌های داستان

این روان‌شناس تربیتی نکته کلیدی دیگری با عنوان مشارکت فعال ذهن را مطرح می‌کند و می‌گوید: «برخلاف بازی‌های دیجیتال که همه چیز را آماده و کامل به ذهن مخاطب تحویل می‌دهند، در مطالعه، این خواننده است که چهره شخصیت‌ها را بازسازی می‌کند، صحنه‌ها را در ذهنش می‌سازد و جهان داستان را خلق می‌کند. همین مشارکت خلاقانه است که لذت ذهنی را افزایش می‌دهد و خواننده را از یک تماشاگر منفعل به همسفر داستان تبدیل می‌کند.»

بیاور می‌گوید: «درست است که ورق

زدن هر صفحه یا تمام کردن هر فصل، مثل امتیاز گرفتن در بازی، فوری و پر سرو صدا نیست، اما حس توانمندی و پیشرفتی که به انسان می‌دهد، عمیق‌تر است؛ چرا که با رشد فردی و یادگیری گره خورده است.»

او مهم‌ترین هدیه کتاب‌ها به بچه‌ها را تقویت همدلی می‌داند و می‌گوید: «وقتی زندگی را از دریچه چشم شخصیت‌های مختلف می‌بینیم، بهتر می‌توانیم احساسات دیگران را درک کنیم و یاد می‌گیریم که دنیا فقط از زویه نگاه ما دیده نمی‌شود. این توانایی یعنی همدلی که یکی از پایه‌های اصلی سلامت روان و روابط سازنده است. اگر بازی‌های دیجیتال هیجان لحظه‌ای را به ما هدیه می‌دهند، کتاب با تخیل، معنا و تجربه‌های عاطفی عمیق در قلب و ذهن ما ماندگار می‌شود. شاید شروع احساس

خوب داشتن از خواندن کتاب دیرتر از بازی در بچه‌ها اتفاق بیفتد، اما وقتی این لذت شکل می‌گیرد، فقط یک سرگرمی نیست، در حقیقت تجربه‌ای است که شخصیت و نگاه انسان را دگرگون می‌کند و همین ویژگی، کتاب را به یک رقیب متفاوت و جدی برای دنیای دیجیتال تبدیل می‌کند.»

آموزش برای لذت خواندن

این روان‌شناس تربیتی، توضیح می‌دهد: «کاهش حوصله کودکان و نوجوانان برای خواندن کتاب‌های طولانی، تا حدی از عادت ذهن آنها به هیجان‌های سریع و پاداش‌های فوری فضای مجازی و بازی‌های دیجیتال ناشی می‌شود؛ با این‌حال، تمرکز یک توانایی ذاتی و ثابت نیست، تمرکز مهارتی است که با تمرین تقویت می‌شود.»

کتابخانه فقط به خواندن چند صفحه محدود نمی‌شود، این فعالیت‌ها بهانه‌ای برای شکل‌گیری دوستی‌ها، تقویت

مسئولیت‌پذیری و پرورش کودکانی است که یاد می‌گیرند در کنار هم رشد کنند.»

ابویسانی با اشاره به نقش داستان در شکل‌گیری شخصیت کودکان و نوجوانان می‌گوید: «همان‌طور که می‌گویند؛ خواندن هر کتاب، تجربه یک زندگی است، کتاب‌های داستانی به بچه‌ها فرصت می‌دهند زندگی‌های متفاوت را تجربه کنند، وارد دنیای شخصیت‌ها شوند، احساسات آنها را بفهمند و با موقعیت‌های گوناگون همدات‌پنداری کنند. تفاوت کتاب داستان با کتاب‌های آموزشی از این است که داستان فقط اطلاعات نمی‌دهد، بلکه احساس، تخیل و تجربه را هم به کودک منتقل می‌کند.»

او می‌گوید: «در کتابخانه شهدای ابویسان این تغییر را به‌روشنی در بچه‌ها می‌توان دید؛ به‌طوری‌که وقتی با یک داستان خوب ارتباط می‌گیرند، نگاهشان عمیق‌تر می‌شود، بهتر صحبت می‌کنند، ایده‌های بیشتری به ذهنشان می‌رسد و قدرت خیال‌پردازی‌شان رشد می‌کند. حتی بسیاری از کودکان و نوجوانان خودشان دست به قلم شده‌اند؛ داستان می‌نویسند، برای نویسندگان نامه می‌فرستند، با جرأت نظر و نقدهشان را بیان می‌کنند و پیشنهاد می‌دهند.»

ابویسانی با اشاره به اثر کتابخوانی بر شیوه مواجهه نوجوانان با مسائل و مشکلات می‌گوید: «مطالعه به آنها یاد داده است چگونه نسبت به محیط اطرافشان حساس تر باشند و برای مسائل پیرامون‌شان واکنش نشان دهند. مثل تجربه‌ای که سال گذشته گروهی از نوجوانان روستا برای کوچک‌ترین ارگ



خشتی جهان که در این روستا قرار دارد، با الهام از یک کتاب، پویشی راه انداختند؛ پویشی که در نهایت باعث شد مسئولان شهرستان برای بازدید از این اثر تاریخی به روستا بیایند.» ابویسانی می‌گوید: «بارها پیش آمده که یک کودک فقط به دلیل یک قصه یا یک کتاب، عضو ثابت کتابخانه شده است.» او در بیان یکی از خاطره‌های ماندگار این کتابخانه به اجرای طرح «فاصله» که اخیراً از سوی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور برگزار شد، اشاره می‌کند و می‌گوید: «در این طرح تلاش شد کتاب‌هایی انتخاب شود که بتوانیم بچه‌هایی را که ارتباط کمتری با کتاب داشتند، به کتابخانه جذب کنیم.» به گفته ابویسانی، به همین دلیل در انتخاب منابع، توجه ویژه‌ای به علایق کودکان و نوجوانان شد و کتاب‌های فوتبالی، بویژه زندگینامه بازیکنان فوتبالی، در اختیار بچه‌ها قرار گرفت؛ کتاب‌هایی که بویژه برای بسیاری از بچه‌ها جذابیت زیادی داشت.

او توضیح می‌دهد: «با رسیدن این کتاب‌ها به کتابخانه ما، اتفاق جالبی افتاد؛ استقبال بچه‌ها به حدی بود که برای امانت گرفتن کتاب‌ها صف کشیدند. میزان استقبال آن قدر زیاد بود که این کتاب‌ها تا حدود یک ماه در نوبت زرو بودند و همین موضوع باعث شد بسیاری از کودکانی که در ابتدا فقط به دلیل علاقه به فوتبال وارد کتابخانه شده بودند، عضو شوند و بعد به جمع اعضای فعال کتابخانه بپیوندند. این تجربه به‌خوبی نشان داد که گاهی فقط یک قصه یا یک کتاب مناسب می‌تواند همان جرقه‌ای باشد که کودک را با دنیای بزرگ کتاب و کتابخوانی پیوند می‌زند.»

به گفته بیاور، برای آشتی دادن کودکان با کتاب‌هایی که نیاز به تمرکز طولانی دارند، نباید با دنیای دیجیتال وارد جنگ شد، اما باید لذت خواندن را به‌تدریج به آنها آموزش داد. اولین گام در این مسیر انتخاب کتابی متناسب با سن، علاقه و دنیای ذهنی کودک است؛ چون اگر داستان با جهان ذهنی کودک هماهنگ نباشد، حتی کودک باهوش هم ممکن است آن را کنار بگذارد.

او می‌گوید: «مطالعه باید با قدم‌های کوچک شروع شود، حتی ۱۰ دقیقه کتابخوانی در روز، اگر با تشویق و احساس موفقیت همراه باشد، به‌مرور توان تمرکز را افزایش می‌دهد. هر جلسه مطالعه باید با حس خوب تمام شود، نه با خستگی، اجبار یا فشار.»

این روان‌شناس تربیتی نقش والدین را بسیار مهم می‌داند و می‌گوید: «کودکان بیش از آن‌که به توصیه‌ها گوش کنند، از رفتار والدین الگو می‌گیرند. وقتی پدر و مادر خودشان کتاب به دست می‌نشینند و درباره کتاب حرف می‌زنند و از خواندن لذت می‌برند، کتابخوانی از یک تکلیف به بخشی از فرهنگ خانواده تبدیل می‌شود.»

او با این پیشنهاد که مطالعه از حالت فردی خارج و به تجربه‌ای مشترک تبدیل شود، می‌گوید: «با بلندخوانی، گفت‌وگو درباره داستان، پرسش درباره شخصیت‌ها و حتی بازی‌کردن نقش آنها این اتفاق حاصل می‌شود. چون کودک وقتی کتاب را دوست دارد که حساس کند کتاب فقط مجموعه‌ای از کلمات نیست و دریچه‌ای است به دنیایی پرمایه‌را از خیال و احساس.»

بیاور تأکید می‌کند که حتی در کودکی، انسان نیاز دارد احساس کند در انتخاب‌های زندگی‌اش سهمی دارد. به همین دلیل، اگر والدین بدون توجه به خواست کودک، او را مجبور به خواندن یک کتاب خاص کنند، ممکن است کتاب از یک دوست به نماد اجبار تبدیل شود.» از نظر او، راه درست این است که به کودک فرصت انتخاب داده شود و به‌جای جنگ بین بازی‌های دیجیتال و کتابخوانی، یک تجربه جذاب‌تر و انسانی‌تر برای کتابخوانی ساخته شود.

او می‌گوید: «وقتی کتاب با قصه خوانی، گفت‌وگو، خنده، آغوش و لحظه‌های خوش همراه شود، کودک آن را نه به‌عنوان یک وظیفه که به‌عنوان یک خاطره شیرین به یاد می‌آورد. فرزند ما چیزی را دوست خواهد داشت که ببیند ما با عشق زندگی‌اش می‌کنیم، نه چیزی که فقط با اجبار به او تحمیل می‌شود.»

کتاب: پل امن کودک به سوی واقعیت‌های تلخ و شیرین

این روان‌شناس تربیتی، درباره اینکه محتوای کتاب‌های کودک باید دنیایی فانتزی و بی‌دغدغه باشد یا به مفاهیم پیچیده زندگی بپردازد، دیدگاه متفاوتی را مطرح می‌کند و می‌گوید: «کتاب‌ها نباید کودکان را در حباب شادی مطلق محبوس کنند، چون بچه‌ها هم مثل بزرگسالان، در زندگی واقعی با ترس، غم، شکست و حسادت دست‌وپنجه نرم می‌کنند و تفاوت فقط در زبان و نحوه ابراز این احساسات است.»

به گفته بیاور، داستان، امن‌ترین آزمایشگاه برای آشنایی کودک با واقعیت‌های زندگی است. او توضیح می‌دهد: «وقتی کودک در پناه یک شخصیت داستانی با احساسات دشوار روبه‌رو می‌شود، می‌آموزد که این تجربه‌ها بخشی طبیعی از زندگی هستند و برای هر مسأله‌ای می‌توان راهی پیدا کرد. این دقیقاً همان جوهره تاب‌آوری و پایه اصلی سلامت روان است.»

او بریک نکته حیاتی تأکید می‌کند و می‌گوید: «کتاب کودک نباید بار سنگین واقعیت را بر دوش او بگذارد. مفاهیم باید متناسب با سن و

درک کودک منتقل شوند. برای هر موضوعی، از جمله مفاهیم سختی مثل مرگ هم پروتکل‌های خاصی وجود دارد که باید رعایت شود.»

بیاور توضیح می‌دهد: «قانون طلایی کتاب‌ها، این است که نباید آموختن را به یادگیری تبدیل کرد؛ بلکه باید به‌جای آن، فضایی برای تجربه و کشف ایجاد کرد. هر مسأله‌نامه‌کننده‌ای که در داستان مطرح می‌شود، باید با راهکار، امید و حس امنیت همراه باشد تا هیچ‌گونه اضطرابی در ذهن کودک ایجاد نشود. در واقع کودکان به کتاب‌هایی نیاز ندارند که آنها را از واقعیت زندگی دور نگه دارد؛ آنها به داستان‌هایی نیازمندند که دست‌شان را بگیرد و کمک‌شان کند تا با شجاعت، دنیای واقعی‌شان را بهتر بفهمند. کتاب خوب، نه واقعیتی را از دید کودک پنهان می‌کند و نه او را در مواجهه با آن تنها می‌گذارد.»



نزدیک شدن

بچه‌ها به

کتاب، حاصل

مجموعه‌ای از

عوامل است و

فقط در اختیار

داشتن کتاب

نمی‌تواند آنها

را به مطالعه

علاقه‌مند کند.

آنچه اهمیت

دارد ایجاد

فضایی است

که کودک در

آن احساس

راحتی، امنیت و

علاقه‌کند

روایتی از کتابخانه‌ای در خراسان رضوی که به الگوی ملی فعالیت‌های فرهنگی تبدیل شد

پاتوقی برای بالندگی کودکان در روستای ابویسان

پرشورت‌ترین مخاطبان آن هستند.» به گفته او، تجربه نشان داده است که کتاب‌های داستانی بیشترین استقبال را در میان کودکان روستا دارند؛ بویژه داستان‌های تخیلی، ماجراهای کودکانه و کتاب‌هایی که شخصیت‌های جذاب دارند و کودک می‌تواند با آنها همدات‌پنداری کند. او می‌گوید: «قصه‌های بومی و داستان‌هایی که با فضای زندگی روستا، طبیعت و تجربه‌های نزدیک کودکان ارتباط دارند هم جایگاه ویژه‌ای میان مخاطبان کودک پیدا کرده‌اند؛ زیرا بچه‌ها با این آثار احساس نزدیکی بیشتری می‌کنند.»

ابویسانی با بیان اینکه هر کتاب می‌تواند دریچه‌ای تازه به دنیای کودکان باز کند؛ دریچه‌ای که از طریق آن تخیل، خلاقیت، همدلی و نگاه عمیق‌تر به زندگی در وجود آنها رشد می‌کند، می‌گوید: «نزدیک شدن بچه‌ها به کتاب، حاصل مجموعه‌ای از عوامل است و فقط در اختیار داشتن کتاب نمی‌تواند آنها را به مطالعه علاقه‌مند کند. آنچه اهمیت دارد ایجاد فضایی است که کودک در آن احساس راحتی، امنیت و علاقه کند.» او توضیح می‌دهد: «در کتابخانه شهدای ابویسان تلاش شده است از سخت‌گیری‌های معمول فاصله گرفته شود تا کودکان با آرامش و صمیمیت وارد کتابخانه شوند و این فضا را متعلق به خودشان بدانند. چون وقتی کودک کتابخانه را محیطی دوست‌داشتنی و صمیمی ببیند، ارتباطش با کتاب عمیق‌تر شکل می‌گیرد.»

مسئول کتابخانه شهدای ابویسان با اشاره به روحیه تنوع‌طلب کودکان و نوجوانان می‌گوید: «این گروه سنی همواره دوست دارند تجربه‌های تازه‌ای داشته باشند و به همین دلیل سعی شده است منابع ویژه آنان به‌روز و متنوع باشد تا هر کودک بتواند کتابی متناسب با سلیقه و علاقه خود پیدا کند.»

او همچنین درباره برنامه‌های فرهنگی کتابخانه می‌گوید: «قصه‌گویی و بلندخوانی زمانی برای بچه‌ها جذاب‌تر می‌شود که فقط به خواندن متن محدود نباشد. این برنامه‌ها در کتابخانه ابویسان همراه با بازی، گفت‌وگو و فعالیت‌های خلاقانه برگزار می‌شود تا کودکان کتاب را با حسی خوشایند و خاطره‌ای شیرین تجربه کنند. همین ترکیب فضای صمیمی، منابع مناسب و برنامه‌های جذاب است که کودکان را بیش

از پیش به کتاب و کتابخوانی نزدیک می‌کند.»

ابویسانی توضیح می‌دهد: «قصه و داستان برای کودکان روستا فقط یک سرگرمی ساده نیست و گاهی قصه و داستان می‌تواند مسیر نگاه و رفتار آنها را تغییر دهد. در کتابخانه ما این اثر به‌خوبی در رفتار بچه‌ها دیده می‌شود؛ قصه‌ها به آنها کمک می‌کنند خیال‌پردازی بیشتری داشته باشند، خود را جای شخصیت‌های داستان بگذارند و احساسات دیگران را بهتر درک کنند.»

او یکی از زیباترین دستاوردهای فعالیت کتابخانه را این می‌داند که بچه‌ها فقط مخاطب این فضا نیستند، بلکه خود را بخشی از آن می‌دانند. به گفته او، کودکان و نوجوانان در برنامه‌ها و فعالیت‌های کتابخانه با علاقه بخشی از مسئولیت‌ها را می‌پذیرند، به یکدیگر کمک می‌کنند و یاد گرفته‌اند در کنار هم کار کنند.

مسئول کتابخانه شهدای ابویسان می‌گوید: «تعامل و همکاری میان بچه‌ها در سال‌های اخیر بیشتر شده و آنها در کارهای گروهی، مشارکت فعال‌تری از خود نشان می‌دهند. کتاب و قصه در این



مطالعه است. مسئول کتابخانه شهدای ابویسان درباره روند شکل‌گیری و گسترش فعالیت‌های کتابخانه توضیح می‌دهد: «این مجموعه در سال‌های ابتدایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی با تلاش جوانان روستا و همکاری جهاد سازندگی وقت راه‌اندازی شد و در طول چهار دهه گذشته فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشت. نقطه عطف فعالیت‌های کتابخانه از سال ۱۳۸۶ رقم خورد؛ زمانی که با همت دوباره جوانان روستا، منابع کتابخانه غنی‌تر شد، برنامه‌های فرهنگی توسعه یافت و فعالیت‌های آن فراتر از فضای روستا شناخته شد.»

او با بیان اینکه این مجموعه امروز فقط محلی برای امانت کتاب نیست و به پاتوقی فرهنگی و اجتماعی برای کودکان، نوجوانان و خانواده‌های روستا تبدیل شده است، می‌گوید: «در کنار خدمات امانت کتاب، برنامه‌های متنوعی مانند قصه‌گویی، بلندخوانی، نشست‌های کتابخوانی، کارگاه‌های خلاقیت، مسابقات کتابخوانی، برنامه‌های مناسبی، کلاس‌های آموزشی و فعالیت‌های هنری و فرهنگی در این کتابخانه برگزار می‌شود.»

ابویسانی با تأکید بر اینکه هدف اصلی این است که کودکان و نوجوانان روستا، کتابخانه را فقط مکانی برای گرفتن کتاب نبینند و آن را خانه‌ای برای یادگیری، خیال‌پردازی، گفت‌وگو و تجربه‌های تازه بدانند، درباره اعضای کتابخانه می‌گوید: «این مجموعه در حال حاضر اعضای فعال زیادی از روستای ابویسان و حتی روستاهای همجوار دارد و کودکان و نوجوانان از